

---

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۰۷

آیه ۱۲۷ - ۱۲۹

آیه و ترجمه

و قال السملا من قوم فرعون اذذر موسى و قومه ليفسدوا فى الارض و يذرك و الهتك قال سنقتل ابناهم و نستحى نساءهم و انا فوقهم قهرون ۱۲۷  
 قال موسى لقومه استعينوا بالله و اصبروا ان الارض لله يورثها من يشاء من عباده و العقبه للمتقين ۱۲۸  
 قالوا اودينا من قبل ان تاتينا و من بعد ما جئنا قال عسى ربكم ان يهلك عدوكم و يستخلفكم فى الارض فينظر كيف تعملون ۱۲۹  
 ترجمه :

۱۲۷ - اشراف قوم فرعون (به او) گفتند: آیا موسی و قومش را رهامیکنی که در زمین فساد کنند و تو و خدایانت را رها سازند، گفت به زودی پسرانشان را میکشیم و دخترانشان را زنده نگه میداریم (تا خدمت ما کنند) و ما بر آنها کاملاً مسلط هستیم.

۱۲۸ - موسی به قوم خود گفت از خدا یاری جوئید و استقامت پیشه کنید که زمین از آن خدا است و آنرا به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) واگذار می کند و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است.

۱۲۹ - گفتند: پیش از آنکه به سوی ما بیائی آزار دیدیم و (هم اکنون پس از آمدنت نیز آزار می بینیم) (کی این آزارها سر خواهد آمد؟ گفت امیداست پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند و شما را در زمین جانشین (آنها) سازد و بنگرد چگونه عمل می کنید؟

---

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۰۸

تفسیر :

در این آیات صحنه دیگری را از گفتگوی فرعون و اطرافیانش پیرامون وضع موسی (علیه السلام) بیان می کند، و از قرائنی که در خود آیه است، چنین برمی آید که محتوای این آیات مربوط به مدتی پس از جریان مبارزه موسی با

ساحران است.

در نخستین آیه میگوید جمعیت اشراف و اطرافیان فرعون به عنوان اعتراض به او گفتند، آیا موسی و بنی اسرائیل را به حال خود رها میکنی که در زمین فساد کنند، و تو و خدایانت را رها سازند؟! (و قال الملا من قوم فرعون اتذر موسی و قومه لیفسدوا فی الارض و یذرک و الهتک).

از این تعبیر به خوبی استفاده می شود که فرعون بعد از شکست در برابر موسی مدتی او و بنی اسرائیل را آزاد گذارد (البته آزادی نسبی) و آنها نیز بیکار نشستند و به تبلیغ آئین موسی (علیه السلام) پرداختند تا آنجا که قوم فرعون از نفوذ و پیشرفت آنها بیمناک شدند، و نزد فرعون آمدند و او را تشویق به شدت عمل در برابر موسی و بنی اسرائیل کردند.

آیا این دوران آزادی نسبی بخاطر ترس و وحشتی بود که در دل فرعون از معجزه کوبنده موسی (علیه السلام) به وجود آمد؟ و یا اختلافی بود که میان مردم مصر و حتی قبطیان درباره موسی (علیه السلام) و آئین او پیدا شده بود، و جمعی به او تمایل پیدا کرده بودند، و فرعون مشاهده میکرد، نمیتواند در چنین شرائطی دست به کار شود و شدت عمل به خرج دهد؟ هر دو احتمال به ذهن فرعون نزدیک است و ممکن است هر دو تواما چنین اثری در فکر فرعون گذارده باشد.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۰۹

به هر حال فرعون با اخطار اطرافیان، تشویق به شدت عمل در برابر بنی اسرائیل شد و در پاسخ هواخواهانش چنین گفت: بزودی پسران آنها را به قتل می رسانیم و نابود میکنیم و زنانشان را (برای خدمت) زنده میگذاریم، و ما بر آنها تسلط کامل داریم (قال سنقتل ابنائهم و نستحیی نسائهم و انا فوقهم قاهرون)

در اینکه منظور او الهتک (خدایان تو چیست؟ در میان مفسران گفتگو است، آنچه با ظاهر آیه موافقتر است این است که فرعون هم برای خودبتهها و معبودها و خدایانی داشت، اگر چه با توجه به آیه ۴ سوره نازعات انا ربکم الاعلی و آیه ۳۸ سوره قصص ما علمت لکم من الله غیری معلوم می شود که مردم مصر بزرگترین خدایشان فرعون بود و یا حد اقل او خود را بزرگ ترین معبود مصر میدانست و معبودی برای آنها در ردیف خودش قائل بود، اما با این حال او برای

خویش معبودهائی انتخاب کرده بود که آنها را پرستش میکرد. نکته دیگر اینکه فرعون در اینجا دست به یک مبارزه ریشه‌دار و عمیق میزند و تصمیم بر کاری میگیرد که در آینده به کلی قدرت بنی اسرائیل را درهم بشکند و آن اینکه مردان جنگی و مبارز را با کشتن فرزندان بنی اسرائیل ریشه کن سازد و تنها زنان و دختران را برای کنیزی و خدمتکاری باقی بگذارد، و این آئین هر استعمار نو و کهنه‌ای است، که افراد مثبت و فعال را از میان بر میدارند، و یا روح مردانگی و شهامت را با وسائل گوناگون در آنها میکشند و افراد غیر فعال را زنده نگه میدارند.

البته این احتمال نیز هست که فرعون میخواست است این سخن به گوش بنی اسرائیل برسد و از دو جهت روحیه آنها درهم شکسته شود، یکی از نظر کشته شدن پسران و مردان آینده و دیگری از نظر اینکه نوامیسشان به چنگال دشمن خواهد افتاد.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۱۰

و در هر حال با جمله انا فوقهم قاهرون میخواهد وحشت و اضطراب را از دل پیروان خود بردارد و به آنها اطلاع دهد که کاملاً بر اوضاع مسلط است! سؤال - در اینجا سؤالی پیش می‌آید و آن اینکه چرا فرعون تصمیم بر قتل موسی نگرفت و تنها نقشه نابود کردن فرزندان بنی اسرائیل را کشید؟! پاسخ - از آیات سوره مؤمن به خوبی استفاده می‌شود که فرعون در آغاز، تصمیم بر قتل موسی داشت ولی اندرزهای توام با تهدید مؤمن آل فرعون و اینکه اقدام به قتل موسی ممکن است خطرناک واقع شود و او برآستی از طرف خدا باشد و آنچه را از مجازاتهای الهی میگوید، انجام‌پذیرد، به قدر کافی در فکر و روح فرعون اثر گذاشت.

به علاوه بعد از جریان پیروزی موسی بر ساحران این خبر در همه جامنوعکس گردید، و در مورد طرفداری و مخالفت با موسی (علیه السلام) در میان مردم مصر اختلاف افتاد شاید فرعون از این بیم داشت که اگر بخواهد تصمیم حادی بر ضد موسی (علیه السلام) بگیرد با واکنش شدیدی که از طرف مردمی که تحت تاثیر او واقع شده‌اند روبرو گردد، به این جهات از تصمیم بر قتل موسی (علیه السلام) منصرف گردید.

آیه بعد در حقیقت، نقشه و برنامه‌ای است که موسی (علیه السلام) به بنی

اسرائیل برای مقابله با تهدیدهای فرعون، پیشنهاد می‌کند، و شرائط پیروزی به دشمن را در آن تشریح می‌نماید، و به آنها گوشزد می‌کند که اگر سه برنامه را عملی کنند قطعاً به دشمن پیروز خواهند شد نخست اینکه تکیه‌گاهشان تنها خدا باشد و از او یاری بطلبند (قال موسی لقومه استعینوا بالله) دیگر اینکه به آنها می‌گوید: استقامت و پایداری پیشه کنید و از

---

#### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۱۱

تهدیدها و حملات دشمن نهراسید و از میدان بیرون نروید (واصبروا) برای تاکید مطلب و ذکر دلیل، به آنها گوشزد می‌کند که سراسر زمین از آن خدا است و مالک و فرمانروای مطلق او است، و به هر کس از بندگان خواهد آنرا منتقل می‌سازد (ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده) و آخرین شرط این است که تقوا را پیشه کنید، زیرا عاقبت پیروزمندانه از آن پرهیزکاران است (و العاقبة للمتقین)

این سه شرط که یکی از آنها در زمینه عقیده (استعانت جستن از خدا) و دیگری در زمینه اخلاق (صبر و استقامت) و دیگری در زمینه عمل (تقوی و پرهیزکاری) تنها شرط پیروزی قوم بنی اسرائیل به دشمن نبود، بلکه هر قوم و ملتی خواهند بر دشمنانشان پیروز شوند، بدون داشتن این برنامه سه ماده‌ای امکان ندارد، افراد بی‌ایمان و مردم سست و ترسو، و ملتهای آلوده و تبه‌کار، اگر هم پیروز گردند، موقتی و ناپایدار خواهد بود.

قابل توجه اینکه این سه شرط هر کدام فرع بر دیگری است، پرهیزکاری بدون استقامت در برابر شهوات و زرق و برق جهان ماده ممکن نیست همان طور که صبر و استقامت نیز بدون ایمان به خدا، بقاء و دوام ندارد

و در آخرین آیه مورد بحث شکوه و گله‌های بنی اسرائیل را از مشکلاتی که بعد از قیام موسی (علیه السلام) با آن دست به گریبان بودند منعکس می‌سازد و می‌گوید: آنها به موسی گفتند: پیش از آنکه تو بیائی ما را آزار میدادند، اکنون هم که آمده‌ای باز آزارها همچنان ادامه دارد پس کی گشایشی در کار پیدا میشود؟ (قالوا اوذینا من قبل ان تاتینا و من بعد ما جئتنا) گویا بنی اسرائیل مثل بسیاری از ما مردم انتظار داشتند که با قیام موسی (علیه السلام) یکشبه همه کارها روبراه شود، فرعون از بین برود، فرعونیان نابود شوند و کشور پهناور

---

مصر با تمام ذخائرش در اختیار بنی اسرائیل قرار گیرد، همه اینها از طریق اعجاز، صورت گیرد و گردی هم به صورت بنی اسرائیل ننشیند ولی موسی (علیه السلام) به آنها فهماند با اینکه سرانجام پیروز خواهند شد، اما راه درازی در پیش دارند، و این پیروزی طبق سنت الهی در سایه استقامت و کوشش و تلاش بدست خواهد آمد، همانطور که آیه مورد بحث میگوید: موسی گفت امید است پروردگار شما دشمنان را نابود کند و شما را جانشینان آنها در زمین قرار دهد (قال عسی ربکم ان یهلک عدوکم و یستخلفکم فی الارض). ذکر کلمه عسی (شاید و امید است) همانند کلمه لعل که در بسیاری از آیات قرآن آمده است، در حقیقت اشاره به این است که این پیروزی و موفقیت، شرائطی دارد که بدون آن شرائط، به آن نخواهید رسید (شرح بیشتر در این باره را در ذیل آیه ۸۴ سوره نساء جلد چهارم صفحه ۳۵ مطالعه فرمائید). و در پایان آیه میفرماید: خداوند این نعمتها را به شما خواهد داد و آزادی از دست رفته را به شما برمی گرداند، تا ببیند چگونه عمل خواهید کرد (فینظر کیف تعملون).

یعنی پس از پیروزی، دوران آزمایش شما شروع خواهد شد، آزمایش ملتی فاقد همه چیز که در پرتو هدایت الهی همه چیز را پیدا کرده است. این تعبیر ضمنا اشعاری به این دارد که در آینده از بوته این آزمایش خوب بیرون نخواهید آمد، و شما هم به هنگام قدرت یافتن همچون دیگران دست به ظلم و فساد خواهید زد.

در روایتی که در کتاب کافی از امام باقر (علیه السلام) نقل شده چنین میخوانیم: قال وجدنا فی کتاب علی صلوات الله علیه ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبة للمتقین انا و اهل بیتی الذین اورثنا الله الارض و نحن المتقون.

«در کتاب علی (علیه السلام) چنین یافتیم که پس از تلاوت آیه ان الارض لله یورثها ... فرمود: من و اهل بیتم همان کسانی هستیم که خداوند زمین را به ما منتقل ساخته و مائیم پرهیزگاران.» اشاره به اینکه حکمی که در این آیه ذکر شده است، یک حکم و یک قانون

عمومی است و هم اکنون نیز زمین در واقع از آن پرهیزگاران است.

